

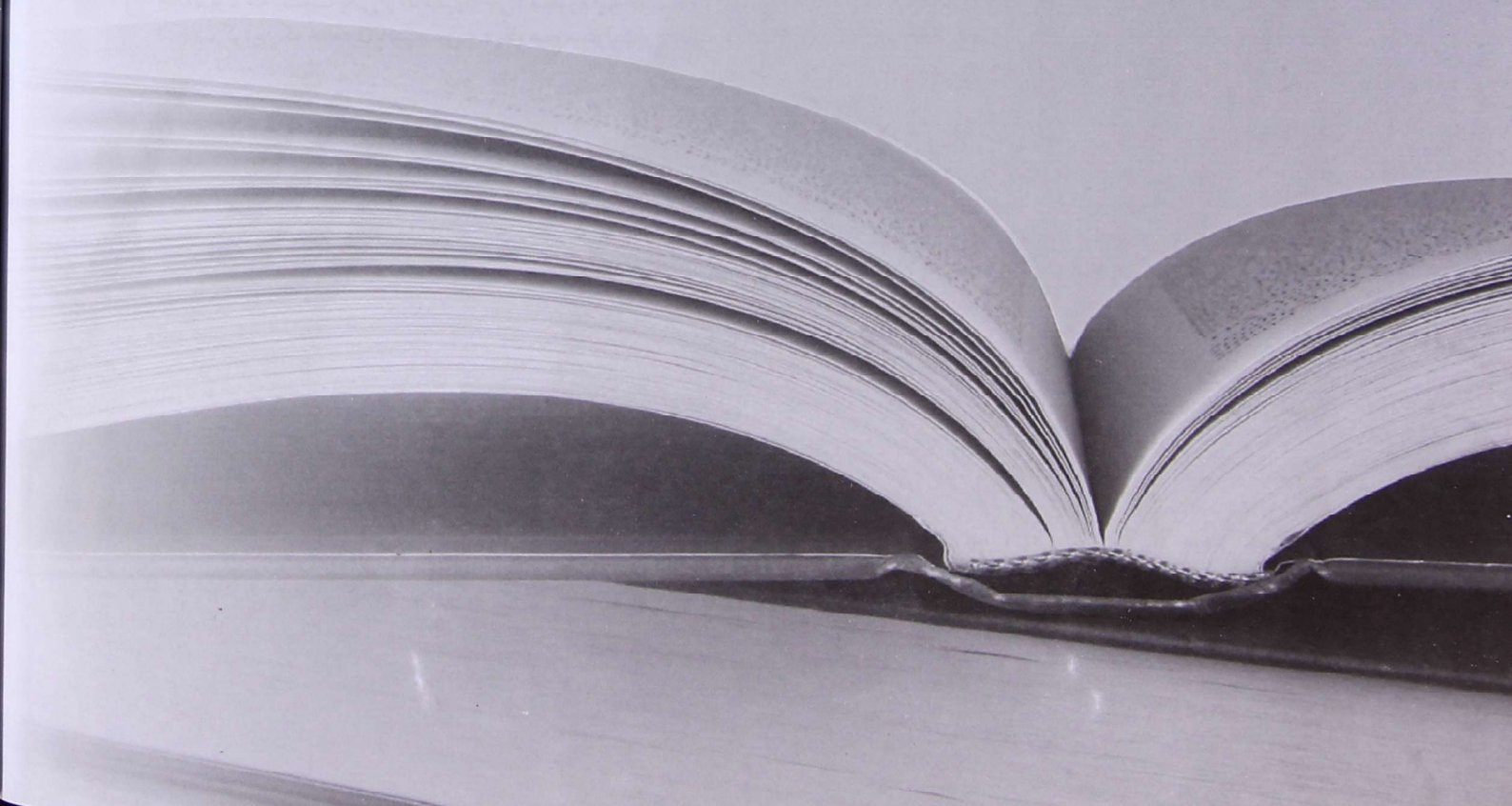
# ادبیات ترجمه

## برونو.ک. اویر / محمد شریف سعیدی

«برونو.ک. اویر» که نام کاملش «کیتس برونو اویر» است؛ شاعر، نویسنده و هنرمند عرصه‌ی موسیقی سویدن است. برونو به تاریخ ۲۶ ماه نوامبر سال ۱۹۵۱ در شهر لیشوپینگ سویدن چشم به جهان گشود. او شعر خود را به صورت فشرده این‌گونه معرفی می‌کند: «به صورت پایه، شعر من این مسئله را شرح می‌دهد که انسان بزرگ‌تر از موقعیت خود است و آینده ما وابسته است به این‌که اندوه فرصت‌های از دست رفته را چگونه درک و تحلیل کنیم.» برونو بیش‌تر شعرهایش را در شب‌شعرها می‌خواند و همراه گروه موسیقی در تورنمنت‌های موسیقی شرکت می‌کرد.

۱۰۵ شعرهایی از برونو.ک. اویر

۱۰۶ شعرهایی از جوان درویش



## نشانه

روزی دلگیر  
روزی بی‌حادثه  
روزی برای محققینی که خم شده‌اند  
بالای باقی‌مانده اسکلت باستانی  
و پیوسته در جستجوی زخم‌اند  
در جستجوی صدمات مجسمه و زخم‌های چاقو  
و نشانه‌های دیگر  
برای نبرد مرگبار و مرگ خشن  
آن‌ها هیچ‌گاه در پی یافتن سندی برای رویاهای زندگی و عشق  
نیستند  
آن‌ها خطوط اشک را در مجسمه نمی‌بینند  
ونه آن چال‌های کوچک که از بوسه افتاده‌اند  
آن‌ها رد پای روشن روح و پندارها را نمی‌بینند  
آن‌ها هیچ‌گاه رد پای حک شدهی ملانک محافظ را بر شن‌های  
روح نمی‌بینند  
و نمی‌دانند که این پیکر پلی بود و نردبانی بین زمین و آسمان  
آن‌ها همیشه چیزهای مهم را درک نمی‌کنند  
و همیشه نشانه‌ها را نمی‌یابند  
جای پنجه‌ی کامل کسی بر بند دست  
کسی او را از رودخانه کشیده و پرتاب کرده‌است زیر سایه‌ی  
درخت

## پشت در

این خانه وجود ندارد  
هرگز وجود نداشته است  
اما تو اینجا کشیده می‌شوی  
اینجا صدای خانه‌ات را می‌شنوی  
کاغذهای دیواری و پنجره‌یی که شلاق باران خورده است  
در مغز تو ازدحام می‌کنند  
کف اتاق گام‌های تو را چون باران می‌نوشد  
جان می‌گیرد و نفس می‌کشد  
قاشق‌ها و چنگال‌هایی که در کتوهای ظرف پیر شده‌اند  
ناله می‌کنند و می‌خواهند بیرون بیایند  
و در میان پارچه‌های نرم و نازک بخوابند  
و زیر شاخه‌های نور شمعدانی‌ها دوباره برق بیندازند  
پشت درهای بسته‌ی اتاق‌های مسدود  
مردگان در خواب سرفه می‌کنند  
مردگان در تخت‌های بی‌تاب تکان می‌خورند  
و عذاب می‌کشند از کابوس‌ها  
از این که نمی‌خواهند سر ساعت بیدار شوند  
از این که برای خرید و ج‌ارو کردن وقت کم بیاورند  
از این که برای کارهای که باید انجام شود وقت کم بیاورند

## افشا شد

کنار میزی چیده  
بزرگان نشسته بودند و  
معاشرت می‌کردند  
تو در فاصله‌ی بازی می‌کردی  
تنهایی بین آن‌ها  
مثل تاج پادشاهی بر سرهای شان نشسته بود  
تو زود فهمیدی به کدام یک‌شان می‌شود اعتماد کرد  
به کدام یک که دوست دارد چیزها آزاد رشد کنند  
دیگران ساکت، نامطمئن، میان‌تهی نشسته بودند و احساسی از  
خود نشان نمی‌دادند  
آن‌ها هیچ چیزی نشان نمی‌دادند  
انگار زندگی و روح‌شان جنایت کده‌ها بودند  
جاهایی که دیگر جرأت بازدید کردن‌شان را نداشتند  
از هراس این که مبادا دست‌شان رو شود و میج‌شان گرفته





## نجوان درویش / حامد خاوری

(۱۹۷۸ - امروز)

فلسطینی

### در جهنم

(۱)

در سال‌های سی در سده گذشته  
به نازی‌ها رخ داد  
که قربانی‌ها را در اتاق‌گازها بی‌اندازند.  
دژخیمان امروز مسلکی تر اند:  
اتاق‌گازها را  
در قربانی‌های شان می‌اندازند.

(۲)

به جهنم، ۲۰۱۰  
به جهنم، شما اشغال‌گران، و تمام دودمان‌تان  
به جهنم تمام بشریت اگر چون شما استند  
به جهنم تمام کشتی‌ها و هواپیماها و بانک‌ها و تخته‌اعلام‌ها  
فریاد می‌زنم، «به جهنم...»  
با آنکه خوب می‌دانم  
که تنها من  
در آنجا می‌زییم.

(۳)

پس بگذار دراز بکشم  
و سترم روی بالش‌های جهنم آرام کند.

پاتوق‌های گنگ  
من بر چوبی آویزانم  
و کاری که می‌توانم چیغ است  
در پاتوق‌های که صدا پژواکی ندارد:  
او بر چوبی آویزان است.

شب و روز  
در زمستان و تابستان

در باد، آتش، خاک و آب  
در تاریکی و روشنایی  
آویزان است حالا:

دنیا بر چوبی آویزان است.

